

سال انتظارها و هراسها

صلح و ثبات سیاسی در یک کشور، بدون امنیت اقتصادی و تامین معیشت روزمره و اشتغال شهروندان آن یک مقوله بدون محتوی است. در مدت زمان بیش از یک دهه، نه حکومت فاقد اتوریته و مافیایی حامد کرزی و نه جامعه جهانی قادر گردید و یا عمداً اراده به آن نداشتند که با یک استراتژی کارای نظامی به منظور امحای پدیده تروریزم و بنیاد گرایی مذهبی و یک پلان همه جانبه انکشافی جهت بازسازی افغانستان، به امیدها و نیازمندیهای امنیتی و اقتصادی مردم پاسخ دهند.

وضعیت امنیتی کشور در آستانه سال ۲۰۱۳ نسبت به سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ خراب تر گردیده است. با موجودیت قریب نیم میلیون اردو و پولیس و نیروهای ایساف و ادارات طویل استخباراتی، بخش از کشور تا هنوز تحت اداره و کنترل طالبان و سایر گروه های مخالف مسلح قرار دارد (هرگاه تناسب تعداد قوا و توانمندیهای نظامی، استخباراتی و مالی طرفین درگیر جنگ در یک گراف مقایسوی مقابل هم قرار داده شود هیچ گونه دلیل منطقی برای توجیه وضعیت کنونی در کشور سراغ نمیگردد)؛ افغانستان بالا ترین مقام را از نظر زرع، تولید و قاچاق مواد مخدر در دنیا حفظ کرده است؛ فساد اداری چه در داخل دولت افغانستان و چه در موسسات بین المللی وابسته به نیرو های ائتلاف بین المللی، منبع ثروت اندوزی و سود جویی از جنگ را برای گروه های مافیا وعده معدودی از زورمندان جابر و ستمگر و وابسته گان شان تشکیل داده است. به اساس گزارش سازمان جهانی شفافیت، افغانستان از جمله فاسد ترین کشورهای جهان به شمار می رود.

استراتژی اداره بارک اوباما درمورد افغانستان بعد از تقریباً ۹ سال جنگ در سال ۲۰۱۰ طرح و ترتیب گردید که وظایف ایالات متحده آمریکا را منحیت کشور رهبری کننده نیروهای ائتلاف بین المللی در افغانستان در سه جهت مشخص نمود :

۱- مبارزه با تروریزم و القاعده.

۲- پروسه باز سازی افغانستان.

۳- حکومتداری خوب.

مبارزه با تروریزم و القاعده: به اساس محاسبات مقامات امریکایی و ناتو تعداد طالبان، القاعده و سایر گروههای مسلح مخالف دولت که علیه قوای جمهوری اسلامی افغانستان و ناتو

می جنگند، بین بیست تا سی هزار نفر تخمین گردیده است. در حالیکه نیروهای ائتلاف تحت رهبری امریکا با پیشرفته ترین سلاح و تجهیزات جنگی مجهز بوده، پرسونل نظامی ناتو از بهترین تعلیمات محاربوی برخوردار می باشند، نیروهای ناتو برتری کامل نیرو های هوایی را در اختیار دارند. آخرین تکنالوژی و وسایل کشفی در خدمت ارگانهای کشفی و استخباراتی نیرو های ایساف قرار دارد. با این همه توانمندی آیا منابع تربیه، تسلیح و تمویل تروریستان از دید جامعه جهانی در جریان بیش از یازده سال جنگ پوشیده و پنهان نگهداشته شده است؟ ساده لوحانه خواهد بود هرگاه چنین تصور گردد که با تمام امکانات دست داشته دستگاه های وسیع سازمان نظامی - سیاسی اتلانتیک شمالی و کشورهای عضو آن قادر به کشف منابع "دشمن" نگردیده اند. در زمینه به جا خواهد بود مطالب آتی مطرح گردد:

ایا این همه متخصصین، پلانگذاران و استراتژیستهای امور نظامی و جنگی که ادعای هژمونی جهان را دارند، نتوانسته اند و یا نه خواسته اند با تحلیل همه جانبه از وضعیت، یک پلان عملیاتی لازم را با این همه امکانات جهت پیروزی و پایان بخشیدن به جنگ علیه تروریزم در منطقه پیریزی نمایند؟

- آیا منافع حیاتی جهان سرمایه طرحهای دیگری در عقب این راهکرد ها دارند که بیشتر در مراکز قدرت مطرح اند؟

- هدف از مذاکرات صلح با طالبان که پیام آور ارتجاعی ترین و عقب گرا ترین دیدگاه بنیادگرایی مذهبی در ارتباط به جامعه و انسان میباشند و حاضر به پذیرفتن اصول و ارزشهای بشری، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی معاصر نیستند، چه می باشد؟ شریک ساختن آنها در قدرت و تسلیم شدن به خواستههای عقب گرایانه آنها نشانه شکست تلقی گردد یا پیروزی؟ یا این که طرحهای پنهانی و غرض آلود دیگری برای افغانستان وجود دارد. پس منظر چنین اقدامات برای توده های کشور، تمامیت ارضی و یکپارچه گی افغانستان چه خواهد بود؟

پروسه بازسازی افغانستان: در جریان چند دهه جنگ زیربناها، تاسیسات و مؤسسات اقتصادی کشور با دخالتهای گوناگون جامعه جهانی، همسایه گان و وابسته گان داخلی شان ویران گردیدند. برای بازسازی اقتصاد افغانستان به پلان انکشافی همانند پلان مارشال نیاز بود. اما اقدام موثر و مسلکی در این مورد صورت نگرفت در عوض سود جویان دوران جنگ این پروسه را به حیث منبع درآمد سرشار دیگر برای خود یافتند و از آن به نام مردم افغانستان بهره بردند. پروسه بازسازی ذریعه یک تیم متخصص اقتصادی نی بلکه توسط قوماندان و افسران نظامی که عمدتاً تعلیمات محاربوی داشته و وظایف جنگ مسلحانه در میادین نبرد را آموخته

اند، در مراکز و محلات کشور بدون هماهنگی و همکاری با ارگانهای ذیربط پیش برده میشود. پروژه ها و فعالیتهای که توسط چنین مسوولین غیر مسلکی صورت گرفته و می گیرد ناکام بوده و در دراز مدت به سود انکشاف اقتصاد کشور نمی باشد زیرا:

- پروژه های بازسازی به خاطر رفع نیازمندی زیربنای اقتصادی کشور در جهت خود کفایی و اشتغال و کارهای دوامدار برای میلیونها بیکار جامعه متمرکز نه یافته است.
- کیفیت کار در به سر رساندن پروژه بسیار نازل بوده و مواد استفاده شده معیاری نمی باشند، اکثراً به مشاهده رسیده است که بعد از سپری شدن مدت کوتاه، پروژه اکمال شده، به ترمیم اساسی و یا اعمار مجدد ضرورت پیدا کرده و ایجاب یک قرارداد تازه را میکند.
- مسوولین ترتیب قراردادهای از فهم مسلکی و علمی در بخشهای که قرار داد صورت میگیرد، بی بهره بوده بنائاً قادر نیستند که نیازمندیهای مسلکی پروژه را به طور لازم مطالبه کرده و از جریان کار پروژه مطابق به معیارها کنترل به عمل آورند. علاوه برآن در انتخاب پروژه اولیتهای مفید بودن آنها برای مردم محل و یا کشور، مدت استفاده و اهمیت اقتصادی آنها در نظر گرفته نمیشود.
- در پروسه امضا و دادن قراردادهای پروژه ها به قراردادیان، فساد مالی و روابط غیر مشروع وجود داشته و بخش قابل ملاحظه منابع مالی پروژه قبل از آنکه به اعمار پروژه به مصرف برسد حیف و میل میگردد.
- به منظور کنترل از امور مصارف پولی و جلوگیری از سو استفاده های مالی یک مسوول اداره کنترل از جانب رئیس جمهور ایالات متحده امریکا (آقای بارک اوباما) تعیین گردید که خبر آن در رسانه ها نیز پخش شد. . .
- اما از نتایج کار اداره مذکور تاکنون کدام گزارش درمورد فساد گسترده اداری و مالی که وجود دارد، در دسترس نیست. بعد از این همه مدت فعالیت چندی قبل یک خبر جالب و خنده دار از نام اداره کنترل در رسانه ها پخش گردید که مسوولین آن اداره میخواهند تعمیرهایی را ردیابی نمایند که گویا در افغانستان اعمار شده اند. این مطلب بیانگر سیستم کار و نحوه حسابدگی سازمانهای که زیر عناوین مختلف پولهای گزاف به منظور بازسازی افغانستان با طرح پروژه های که صرف در کاغذها باقی مانده، دریافت می دارند، می باشد.

حکومتداری خوب: تعهد به عمل آمده بود که جامعه جهانی در جهت تشکیل یک اداره دموکراتیک، سالم و خدمتگار برای مردم افغانستان کمک و تلاش خواهد کرد. اما در عمل با حمایت از افراد بی کفایت و فاسد در دستگاه دولت افغانستان در توسعه و گسترش فرهنگ فساد کمک رسانده است. ارایه ابتدایی ترین خدمات توسط ادارات کشور مملو از فساد اداری و مالی می باشد. افراد فاقد صلاحیت و فاسد در نتیجه سوء اداره و سوء استفاده بدون هیچ گونه پاسخگویی از کارکردهای نامطلوب و حتی خلاف قانون شان در گذشته، از یک مقام به مقام دیگر تبدیل گردیده و حتی ارتقا می کنند.

از وضعیت و حقایق ناگوار در جامعه آشکار می گردد که امیدها و انتظاراتی که مردم بعد از سقوط حکومت سده های میانه طالبان و حضور نظامی - استخباراتی ناتو در افغانستان داشتند، به یک خواب وحشتناک می ماند. تعهدات که جهت استقرار صلح و ثبات، بازسازی و آوردن یک حکومت کارا و خدمتگار به مردم صورت گرفته، یک نمایشنامه مضحک امریکا - ناتو با خواستها و نیازمندیهای توده های رنجدیده و جنگ زده کشور بوده که از دلکهای مافیایی وطنی در نقشها استفاده به عمل آمده است، اما در حقیقت تلاشها و فعالیتها به خاطر تامین اهداف استراتژیک دراز مدت جهان سرمایه در منطقه ره پیمایی دارد.

سال ۲۰۱۴ را سال خروج نیروهای نظامی امریکا - ناتو اعلان نموده اند. اعلام این تصمیم در بین مردم و محافل سیاسی عکس العملهای متفاوت را آشکار ساخته است. شایعه های زمزمه می کردند که ممکن وضعیت کشور مشابه به جنگهای تنظیمی دوران حکومت انارشی مجاهدین بعد از سقوط حکومت داکتر نجیب الله گردد. ایجاد چنین خوف و هراس در بین مردم شاید اهداف دیگری چون کنترل ذهنیت عامه را دنبال نماید به این علت که: **نخست** ذهنیت عامه را برای تداوم حضور امریکا - ناتو بعد از سال ۲۰۱۴ در افغانستان تحت عنوان جدید، آماده سازند؛ **دوم** اینکه وضعیت رقبتار موجود کشور را برای مردم مطلوب و رضایت بخش ارایه نمایند. بیش از یک دهه حضور نظامی - استخباراتی ایالات متحده امریکا و متحدین ناتو در افغانستان به بهانه یی مبارزه علیه تروریسم برای مردم افغانستان چه دستاوردها با خود همراه داشته است:

- حاکمیت قانون و اعتماد مردم نسبت به آن در جامعه تامین نگردیده است. نقض کردن صریح قوانین نافذ در کشور توسط حاکمیت مافیایی و جنگ سالاران در مراکز و اطراف به شمول عالیترین مقام یکه مسوولیت حراست و تطبیق آن را دارد، به شکل مداوم جریان دارد. ارگانهای قضائی عملاً در خدمت بنیادگرایان مذهبی و ناقضین حقوق بشر قرار دارند.

- اقتصاد کشور در گرو مافیای مواد مخدر قرار دارد، به سکتور زراعت و رشد سطح تولیدات زراعتی که تقریباً ۸۰٪ بخش اقتصاد را تشکیل می دهد در جهت خود کفایی توجه لازم صورت نگرفته است.
 - شکاف میان فقر (اکثریت جامعه) و ثروت (یک اقلیت کمتر از یک فیصد) توسعه بیشتر و بیشتر یافته است.
 - بیش از ۵۰٪ افراد مستعد به کار بیکار اند که بیشترین آنها را نسل جوان تشکیل می دهد. صدها جوان کشور به خاطر نگرانی از آینده به فرار از کشور با تحمل رنجهای زیاد مجبور گردیده که نعلبهای تعداد از آنها به فامیلهای سوگوار شان برگشته اند می شوند.
 - کودکان افغان در رقت بارترین وضعیت قرار داشته و شرایط جابرانه مسلط در جامعه آنها را مجبور ساخته تا به منظور سهمگیری در تامین معیشت خانواده به شاقه ترین کارها، در تناقض با کنوانسیونهای بین المللی و قانون کار، مبادرت ورزند.
- چنین است تصویری مختصری از نتایج کمکهای یازده ساله امریکا - ناتو برای اکثریت محروم و جنگ زده افغانستان.
- وضعیت اقتصادی- سیاسی و امنیتی کنونی، آینده اکثریت محروم جامعه و کشور را تهدید جدی می نماید. مسوولیتها و وظایف نیروهای وطن دوست و پیشرو درین گستره تاریخ بی نهایت سنگین است. تبارز یک الترناتیف سیاسی نیرومند در جامعه با ایجاد یک حزب سرتاسری نیاز مبرم تاریخی بوده و پاسخ به خواستههای برحق زحمتکشان میباشد.

بر گرفته از شماره ۵۱ نشریه آینده